

# راهبردهای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی (مورد مطالعه: استان اردبیل)

حمید پاکمزد<sup>۱</sup>، حسین آقابابایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۰۱

صفحه: ۳۸-۱

## چکیده

بی‌تردید مقابله با بزه‌کاری نیازمند به‌کارگیری همه امکانات جامعه است و پیش‌گیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی، زمانی به مفهوم حقیقی تحقق خواهد یافت که تمامی ارکان جامعه علیه آن بسیج شوند. این پژوهش درصدد است تا راهبردهای لازم برای مشارکت عموم مردم را بررسی و راهکارهای ضروری برای شکل‌گیری آن‌ها را تبیین نماید. پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر شیوه، توصیفی از نوع اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری را کارشناسان و مسئولان مرتبط با بحث تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش نشان داد که راهبردهای آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌های دینی؛ مدیریت نیازها؛ توانمندسازی فردی و اجتماعی؛ تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی؛ می‌تواند مشارکت مردم را برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی جلب نماید. پاسخگویان توجه به اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی؛ نهادینه کردن ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی؛ ارتقای سطح آموزش و اطلاع‌رسانی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرم؛ اقناع غیرمستقیم جوانان و خنثی‌سازی عملیات روانی مروجان جرم در راهبرد اول؛ شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم؛ اصلاح فرآیند نیازهای محرک جرم و حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب در راهبرد دوم؛ گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی با اجتناب از رفتارهای فردی زمینه‌ساز جرم و ضمانت پیشگیری از بزه دیدگی زنان با رعایت پوشش شرعی در محیط‌های عمومی، نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان؛ تقویت بازسازگاری اجتماعی از طریق مشارکت دادن مباشرین جرم؛ حاکمیت فرهنگ

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی انزلی،

ایمیل: hamidpakmzod@gmail.com؛ تلفن: ۰۹۱۴۱۵۶۳۵۳۲

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه گیلان.

## راهبردهای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب ...

---

محبت، برادری و عیب‌پوشی در راهبرد سوم؛ و ارتقاء نقش و جایگاه خانواده‌ها، محله‌ها، نهادهای مذهبی، آموزشی با اعمال مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم در راهبرد چهارم را مؤثر دانسته‌اند.

**کلید واژه‌ها:** مشارکت عمومی، پیشگیری، جرم، حجاب شرعی.

## مقدمه

پوشش و عفاف از آن جهت که یک امر فطری است و برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد، در ادیان و مذاهب الهی دارای جایگاه خاصی است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن فراخوانده‌اند؛ زیرا حیا و لزوم پوشش به‌طور طبیعی در نهاد زن به ودیعت نهاده شده و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است (حجتی، ۱۳۸۰: ۴۳).

حجاب، گویای انتخاب یک عقیده است و آدمی، عقیده و مرام را با دو خصیصه‌ی «شناخت» و «انتخاب» برمی‌گزیند، بدان می‌بالد و بر اساس آن زندگی می‌کند و تمامی رفتارهای خود را بر اساس آن شکل می‌دهد. هر چه شناخت و اختیار انسان، عمیق شود، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. حجاب نیز این چنین است؛ یعنی محصول شناخت و بینش‌هایی است که «زن» از هستی، انسان، روابط اجتماعی و چگونگی تکامل و رشد صحیح خود دارد. او بدین باور رسیده است که با پوشش دادن به خود، سیر معنوی جامعه را سرعت می‌بخشد و مانعی بر سر راه به وجود نمی‌آورد، چراکه هر کس چه زن و چه مرد جاذبه‌های ثروت، شهرت، مقام و یا بدن را به چشم دیگران آورد، راهزنی کرده و آدمیان را از مسیر رشد و فلاح بازداشته است. مشغول داشتن انسان‌ها به جاذبه‌ها و به نمایش گذاشتن آن‌ها، چشم و دل انسان‌های کم‌ظرفیت را کور می‌کند و از نور معرفت محروم می‌دارد؛ از همین رو است که «حجاب» و «پوشش» واجب شده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۳).

در حال حاضر نارضایتی از وضعیت پوشش زنان اوج گرفته و گاه به بی‌تفاوتی و یأس منجر شده است؛ اما این دغدغه هنوز وجود دارد که این جوانان را چگونه می‌توان به پوشش اسلامی سال‌های گذشته مجاب کرد. هرچند مقایسه بین گذشته قبل از انقلاب با زمان حال که از تحولات و سایل ارتباط جمعی و هجوم‌های فرهنگی تشدید شده برخوردار نبود، نشان می‌دهد که تلاش‌هایی صورت پذیرفته و گام‌هایی برداشته شده است، اما روشن است که وضعیت موجود وضعیت مطلوبی نیست. نکته مهم این است که اگر وضع این گونه

نبوده می‌تواند این‌گونه هم نماند و تغییر کند؛ بنابراین اگر قبلاً چنین نبوده و حال چنین شده، می‌تواند چنین هم نماند و تغییر کند؛ که راز تغییر، شناخت قانون‌های حاکم بر پدیده‌ها است و انسان به مدد همین شناخت‌ها است که می‌تواند تغییر ایجاد کند (خندان، ۱۳۸۷: ۳۲). با توجه به این مطالب در این تحقیق سعی می‌کنیم تا راهبردهای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» را در استان اردبیل بررسی کنیم.

### بیان مسئله

قانون‌گذار ایران در مقررات بعد از انقلاب اسلامی با توجه به حاکمیت قوانین اسلامی و در جهت حفظ عفت و اخلاق عمومی و رعایت موازین اسلامی، با جرم‌انگاری برخی از اعمال و رفتارها از جمله عدم رعایت حجاب شرعی، سعی در حفظ عفت و اخلاق در جامعه داشته است. طبق اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات باید بر پایه و چارچوب موازین اسلامی باشد؛ بنابراین هدف خاص جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حیطه‌ی منافی عفت و اخلاق عمومی را می‌توان تحکیم و تقویت مبانی، مکتب، تفکر و جهان‌بینی اسلامی و نیز حفظ و صیانت جامعه از بی‌بندوباری‌ها و رشد و تعالی اعتقادی و فرهنگی آن عنوان کرد. حجاب زنان اختصاص به اسلام نداشته و در بسیاری از مذاهب، مکاتب و فرهنگ‌ها توصیه و الزام به حجاب صورت گرفته است. در اسلام مسئله‌ی پوشش و به‌ویژه پوشش خاصی که متوجه زن شده، داشتن پوشش، عفت و حفظ حریم قانونی بین زن و مرد موضوعی است که در مبحث پیشگیری از بزهکاری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ارائه‌ی توصیه‌هایی در جهت پرهیز از خودنمایی، عفاف ورزیدن و داشتن حیا که حجاب و پوشش اعضا و جوارح را مورد توجه قرار می‌دهد در راستای پیشگیری از بزه دیدگی پیش‌بینی شده است. هم‌اکنون سیاست استفاده از پوشش مناسب و حجاب در دانشگاه‌ها و مدارس و حتی در سطح جامعه و مبارزه با بدحجابی که از سوی دولت و پلیس در حال اجراست حاکی از این امر است که نظام اسلامی توجه ویژه‌ای را به این امر مبذول داشته است. هرچند که بحث ما پیرامون سیاست غیر کیفری است ولی در خصوص حجاب

زنان و استفاده از پوشش مناسب، مقنن نیز با ایجاد سیاست کیفری مناسب که در این زمینه حائز اهمیت است نقش بسزایی را در این زمینه ایفا کرده و در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». توجه ویژه‌ای که در سیاست جنایی ایران به مسئله حجاب زنان معطوف شده نتایجی را در سطح فردی و اجتماعی برای زن در پی خواهد داشت (بیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۵).

در بعد فردی حجاب زن باعث امنیت اوست و فقدان حجاب زن، شخصیت او را زایل کرده و نگرش شیء انگارانه به او را تقویت خواهد کرد. از سوی دیگر، حجاب یک حکم تکلیفی است و آثاری بر آن مترتب است که اساسی‌ترین آن پایبندی زن مسلمان به فرامین حق تعالی است؛ اما در بعد اجتماعی می‌توان گفت حجاب زن باعث تحکیم بنیان‌های خانواده می‌شود. از سوی دیگر، موجبات حاکمیت آرامش بر اجتماع را فراهم می‌سازد و گونه‌ای از آرامش اجتماعی را در پی دارد و باعث سلامت جامعه و تعمیق بهداشت روانی و اجتماعی در سطح جامعه و استواری نظام اجتماعی می‌شود. به هر حال اگرچه حجاب خواهران و پوشش برادران تا حدودی یک امر شخصی و سلیقه‌ای و انتخابی است، اما اصل مسئله پوشش داشتن با تفاوت‌های خاص مربوط به زن و مرد امری اجتماعی است و تکلیف است نه حق (همان: ۹). اکنون در زمانی به سر می‌بریم که گویی راهکار قطعی و منطقی برای وضعیت بدحجابی در جامعه ایران تاکنون ارائه نشده است و این مسئله را می‌توان از نوع برخوردهای گوناگونی که با این مقوله می‌شود، دید؛ یعنی در یک دوره برخوردهای انتظامی و حکومتی و در دوره زمانی دیگری این مسئله فراموش می‌شود و هرازگاهی این نوع برخوردها با مخالفت و یا با استقبال روبرو می‌شود و این نشان می‌دهد که ما هنوز به یک نقطه مشترک نرسیده‌ایم؛ اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که وضعیت رعایت حجاب شرعی در جامعه فعلی متأثر از فضای رسانه‌ای به وجود آمده، گروه‌های مرجع

مؤثر، تغییر باورهای عمومی، ارتباطات و فناوری‌های جدید کمرنگ شده و جامعه مذهبی استان اردبیل را نیز در حفظ وضعیت مطلوب حجاب شرعی با نگرانی مواجه ساخته است. از این رو خانواده‌های مذهبی اردبیل در جهت حفظ بنیان‌های اعتقادی و فضای مذهبی و سالم خانواده‌ها نیازمند جلب مشارکت و همکاری آحاد جامعه می‌باشند تا فارغ از نهادهای رسمی با ارائه آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه، مساجد، رسانه‌ها و اجتماع به صورت هدفمند و مستمر در راستای رعایت حجاب شرعی اقدام نمایند.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

رواج روزافزون پدیده عدم رعایت حجاب شرعی به‌ویژه در بین نسل جوان و نوجوان جامعه طی سال‌های اخیر به لحاظ گسترش آسیب‌های اجتماعی بیانگرافت روابط عاطفی خانواده‌ها، رشد آمار طلاق، افزایش دوستی‌های خیابانی، کشیده شدن جاذبه‌های جنسی از محیط خانواده به اجتماع، افزایش تمایل به تجرد و فرار از مسئولیت‌پذیری، افزایش فساد اخلاقی و شیوع رفتارهای پرخطر و ... آن‌چنان سلامت و امنیت اخلاقی و روانی جامعه را به مخاطره انداخته است که نه تنها بخش اخلاق‌گر و ارزش‌مدار جامعه را به واکنش در برابر پدیده عدم رعایت حجاب شرعی واداشته، بلکه مقابله با این معضل فرهنگی و اجتماعی را به یکی از مطالبات عمومی استان اردبیل تبدیل کرده است. بسیاری از خانواده‌ها، حتی آن‌ها که در ظاهر توجه چندانی به مسائل دینی و فرهنگی ندارند نیز متأثر از شرایط موجود، نگران تأثیر حضور افراد فاقد حجاب شرعی بر سلامت اخلاقی فرزندان، همسران و روابط خانوادگی خود بوده و خواهان برخورد با متخلفان می‌باشند. بی‌تردید ضرورت پوشش و مراعات حجاب به‌عنوان امری فطری و ارزشی که بر کرامت و ارزش انسانی زن فارغ از جنسیت وی تأکید دارد ریشه در نیازهای روحی و روانی بشر به‌عنوان اشرف مخلوقات خداوند داشته و در اغلب جوامع، فرهنگ‌ها، ادیان و قومیت‌ها از چنان جایگاهی برخوردار است که با وجود تمام سیاست‌ها و سلیقه‌هایی که در مورد آن اعمال شده و فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ از سر گذرانده هنوز موقعیت ارزشی خود را از دست نداده

است. از این رو تضاد شیوه‌های پوشش امروزی با ارزش‌های ملی و دینی و روند روبه رشد پوشش‌های نامناسب دختران و زنان در استان اردبیل، اهمیت تحقیق پیرامون موضوع رعایت حجاب شرعی و ضرورت افزایش آگاهی اجتماعی پیرامون اشاعه و تعمیق حجاب مورد تأکید قرآن و قانون در بطن جامعه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، از این رو اتخاذ تدابیر و اقدامات پیشگیری از وقوع جرم عدم رعایت حجاب شرعی به منظور تحقق حقوق فردی و اجتماعی و تأمین امنیت همه‌جانبه‌ی افراد، توجه صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است. لیکن دیدگاه‌های مختلف و گاه متضادی در این مقوله ابراز شده و بر اساس آن‌ها تدابیر پیشگیرانه و اقدامات متعددی اتخاذ شده است، اما هیچ کدام از این شیوه‌ها و تدابیر نتوانسته‌اند جلوی رشد فزاینده جرم عدم رعایت حجاب شرعی را بگیرند و تمامی آن‌ها در میدان آزمون و خطا با شکست و ناکامی مواجه شده‌اند و در مقابل هرروز شاهد شیوع روزافزون این جرم هستیم. لذا این تحقیق با هدف ارائه راهبردهای کاربردی به متولیان جامعه جهت توسل به مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی ضمن پاسخ‌گویی به این پرسش که بر اساس چه راهبردهایی می‌توان شرایط را برای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در سطح استان اردبیل برقرار نمود، به مهم‌ترین عوامل بازدارنده مشارکت عمومی پرداخته است.

### فرضیه‌های تحقیق

۱. آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌ها به‌خصوص در مورد جوانان به‌صورت غیرمستقیم و تبیین جنبه‌های ایجابی رعایت حجاب شرعی می‌تواند در پایبندی به ارزش‌ها مؤثر باشد.
۲. پایین بودن سطح مداخلات اجتماعی و فرهنگی نهادهای مذهبی، آموزشی، خانواده، محله و ضعف توانمندی‌های فردی و اجتماعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مهارت‌های اساسی زندگی از عوامل بازدارنده جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی است.

پیشینه پژوهش

عسکری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «حجاب در ادیان الهی» به بررسی حجاب و حدود آن در ادیان مختلف پرداخته است. او ابتدا به فطری بودن پوشش اشاره داشته و سپس حجاب را در هر یک از ادیان به طور جداگانه بررسی کرده است. او به وجود حجاب در همه ادیان اذعان دارد.

فیاض (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «حجاب ریشه در تاریخ کهن ایران دارد» به بررسی حجاب پرداخته و بعداً این که درباره پوشش، از گذشته‌های دور واکاوی می‌کند، این گونه نتیجه می‌گیرد که حجاب ریشه در فطرت انسان داشته و ادیان تنها مهر تأیید بر آن زده‌اند.

قانع (۱۳۷۲) در پژوهشی با عنوان «حجاب و پوشش در تاریخ معنویت بشر قبل از اسلام» به بحث تاریخی درباره پوشش پرداخته و با مطالعه درباره انسان‌های اولیه و با استفاده از آثار به‌جامانده از آن‌ها نشان داده است که در تمام طول تاریخ، زنان پوشش بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند. او سپس به بررسی حجاب در ادیان می‌پردازد و بیان می‌دارد که حجاب جنبه فطری داشته و انبیاء با وضع حجاب به ندای فطرت بانوان پاسخ گفته و سلاح دفاعی آن‌ها را تقویت نموده‌اند.

خرقانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه حجاب و پوشش در ادیان مختلف» به بررسی ریشه و منشأ حجاب و تاریخچه آن از آدم تا خاتم و حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن می‌پردازد. او معتقد است که حجاب همیشه وجود داشته و گاه به صورت دستور دینی و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ رعایت می‌شده است.

مطهری (۱۳۵۳) در کتاب «مسئله حجاب» به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود درباره آن پرداخته است. او ضمن تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می‌داند.

حسینی منش (۱۳۷۱) در پژوهش خود با عنوان «حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان الهی»، ابتدا به فرهنگ لباس و سپس به فلسفه پوشش در اسلام، فطری بودن پوشش، فواید



حجاب برای صیانت خانواده، بهداشت روانی و حفظ شخصیت زن می‌پردازد و در ادامه حجاب را از منظر قرآن و روایات و فتاوا بررسی می‌کند و در آخر نیز به اهمیت حجاب در میان ادیان دیگر می‌پردازد

### مبانی نظری پژوهش

#### مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی

اسلام مبتنی بر فردگرایی و تعهد اقلی نیست؛ انسان را مسئول می‌شناسد و همواره بر مسئولیت انسان‌ها در مقابل یکدیگر تأکید دارد. بر اساس این مسئولیت، یک مسلمان عضو جامعه، نمی‌تواند نسبت به دیگر اعضای تفاوت باشد و یا دیگران نسبت به سرنوشت او بی‌توجه باشند. اسلام اصل مسئولیت انسان را در کنار اصل برائت، قاعده درء، اصل ممنوعیت تجسس در امور خصوصی، اصل قضایی بودن مداخله کیفری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و امثال آن، دارای معنا و مفهوم می‌داند. پاسخ اجتماعی به جرم، واکنش‌هایی در محدوده اختیارات و اقدامات مراجع غیررسمی یا به تعبیری غیردولتی است (حسینی، ۱۳۸۳: ۷۴). بی‌تردید نهادهای اجرایی و اداری، سازمان‌ها و مراجع اجتماعی غیردولتی و یکایک افراد اجتماع و حتی بزه دیدگان بایستی در پیشبرد امر پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی سهیم باشند. آنچه در این میان نقش اساسی تری به عهده دارد و تجربه‌های گوناگون، کارایی آن را به اثبات رسانده، مشارکت اجتماعی به معنی دخالت دادن و سهیم کردن شهروندان و سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی در این امر است. این شیوه علاوه بر آن که هزینه‌های دولت را پایین می‌آورد، به لحاظ مسئولیتی که متوجه هر یک از افراد جامعه می‌شود، یک بسیج همه‌جانبه برای پیش‌گیری و مبارزه با پدیده مجرمانه شکل می‌دهد.

بکار یا ضمن تأکید بر ضرورت مشارکت مردم در تأمین امنیت می‌گوید: «می‌خواهید از وقوع جرم پیش‌گیری کنید؛ بکوشید تا قوانین، روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای

دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود» (بکاریا، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

در تشریح این راهبردها باید گفت که جرم نتیجه ناهماهنگی داشته‌های فرد با داشته‌های جامعه است و باید در تبیین آن هم به «نقش فرد» و هم «نقش جامعه» اهمیت داده شود. در یک جامعه پر جرم، هم‌راستایی بین نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و هنجارهای اجتماعی وجود ندارد؛ معلومات و اطلاعات فردی با آگاهی‌های مورد انتظار و ارائه‌شده توسط جامعه تعارض دارد؛ توانمندی‌های فردی با توانمندی مورد انتظار جامعه در تناقض هستند؛ مداخلات فردی و اجتماعی هم‌افزا نیستند؛ و مقدرات اجتماعی هم تناسبی با نیازهای فردی ندارد. از طرفی در یک جامعه کم جرم، هم‌راستایی بین نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و هنجارهای اجتماعی وجود دارد، معلومات و اطلاعات فردی با آگاهی‌های مورد انتظار و ارائه‌شده توسط جامعه توافق دارد، توانمندی‌های فردی با توانمندی‌های مورد انتظار جامعه هماهنگ هستند، مداخلات فردی و اجتماعی هم‌افزاینده و مقدرات اجتماعی هم با نیازهای فردی تناسب دارند.

بر همین اساس است که در این راهبردها هم فرد و هم جامعه هدف تدابیر پیشگیرانه در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی قرار گرفته و سیاست جنایی مشارکتی، از این طریق قابل اعمال است.

#### راهبرد آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌های دینی:

آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌ها از طریق تقویت آموزه‌های دینی، اساسی‌ترین راهکار زیر بنایی برای تقویت خود پایی و دوری از گناهان و جرائم و آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. در این زمینه به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف. اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی؛

اصلاح نگرش نسبت به خداوند و جهان هستی، نسبت به انسان و خویشتن خویش، نسبت به دنیا و آخرت و نسبت به دین و دین داری می تواند باورهای دینی را تقویت نموده و در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی مؤثر واقع گردد.

### ب. نهادینه کردن ارزش ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی؛

شاید بتوان قرن جدید را قرن تحول و دگرگونی ارزش ها نام نهاد. یکی از کارکردهای منفی فرهنگ غرب، جایگزینی ارزش های وارداتی با ارزش های سنتی، ملی و بومی و یا قلب و تبدیل ارزش هاست. اگر در دیدگاه سنتی و بومی، صبر و بردباری و تحمل ناسازگاری های همسر و ساختن با تنگناها و مشکلات زندگی، ارزش شمرده می شد، امروزه برای برخی از افراد، طلاق و دل کندن از همسر و فرزندان و ترک خانه و خانواده ارزش شمرده می شود. اگر دیروز کمک به ممنوع و دست گیری از مستمندان، ارزش شمرده می شد، امروزه ممکن است بی تفاوتی نسبت به دیگران به یک رویه و اخلاق اجتماعی تبدیل شده باشد. هنجارهایی مانند چشم پاکی یا پرده پوشی یا احترام به بزرگ تر و یا کمک به دیگران ممکن است جای خود را به ناهنجاری هایی مانند هرزگی اخلاقی و رفتاری و پرده دری و بی حرمتی به دیگران بدهد و هنجارهای سالم به عنوان نمادی از تفکر سنتی و دیروزی مورد نکوهش و نفی قرار گیرد. بهترین تدبیر، احیای ارزش ها و هنجارهای اصیل دینی و بومی و صدا البته تطبیق آن ها با نیازها و اقتضائات روز جامعه است. باید تصدیق کرد که یکی از علل اصلی از بین رفتن ارزش ها و هنجارهای سالم، ناتوانی آن ها در انطباق با وضعیت های جدید و ناکارآمدی در پاسخگویی به نیازهای مخاطبین جدید است. متولیان امور باید با تدابیر مناسب از شکاف بین نسلی در عمل به ارزش ها و هنجارها پیشگیری کنند (محمد نسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۹).

ج. ارتقای سطح آموزش و اطلاع‌رسانی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرم؛ آگاه‌سازی عمومی را از مصادیق پیشگیری اولیه (اولین سطح از پیشگیری که شامل تمام آحاد جامعه می‌شود) می‌دانند. بسیاری از مردم به دلیل ناآگاهی نسبت به الگوهای جرم یا انحراف و یا آسیب‌های زمینه‌ساز کج‌روی، آماج بزه دیدگی قرار می‌گیرند. مردم نوعاً نمی‌دانند که چه عواملی منجر به بالا رفتن خطر بزهکاری یا بزه دیدگی می‌شوند؛ نسبت به عوامل زمینه‌ساز خطر جرم یا آسیب‌آشنایی کافی را ندارند و عوامل حمایتی در برابر جرم یا آسیب را به‌خوبی نمی‌شناسند. این آگاه‌سازی می‌تواند شامل ارائه اطلاعات در مورد عوامل خطر در برابر جرم یا آسیب خاص، آثار و عواقب جرم یا آسیب و راه‌های اجتناب از آن‌ها و همچنین شیوه‌های محافظت در برابر آن‌ها باشد. آگاه‌سازی عمومی موجب می‌شود تا مردم یاد بگیرند که موقعیت‌های ارتکاب جرم را به‌راحتی در اختیار بزهکاران بالقوه قرار ندهند. برای توفیق در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی، باید راهکارهای عملی مبتنی بر آگاه‌سازی عمومی در مورد جرم یا آسیب مذکور شناسایی و مورد اجرا قرار گیرند. استفاده از رسانه‌ها یا مساجد یا مدارس از شیوه‌های رایج در زمینه آگاه‌سازی عمومی به شمار می‌روند (محمد نسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

آگاه‌سازی اختصاصی برخلاف آگاه‌سازی عمومی تمام افراد جامعه را دربر نمی‌گیرد بلکه به‌عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری ثانویه، تلاش بر تمرکز آگاه‌سازی بر افراد مستعد بزهکاری یا بزه دیدگی دارد. بسیاری از افراد به دلیل وضعیت خاص جسمی یا روحی یا اجتماعی یا وجود معلولیت یا ناتوانی جسمی و مواردی از این قبیل، از ظرفیت جنایی بالاتری برای بزهکاری یا بزه دیدگی برخوردارند. شناسایی مخاطبین خاص این نوع از آگاه‌سازی، از اهمیت زیادی برخوردار است و در غیر این صورت موجب تمرکز تلاش‌ها بر افراد غیر ضرور و در نتیجه اتلاف منابع شده و اثربخشی چندانی نخواهد داشت. برای شناسایی مخاطبین باید از اطلاعات موجود نزد سازمان‌های دولتی و نهادهای مدنی و اشخاص داوطلب، نهایت استفاده را کرد. به‌عنوان مثال، اولیای مدارس می‌توانند اطلاعات

زیادی از دانش آموزان برخوردار از کانون خانوادگی نابسامان را در اختیار برنامه‌ریزان امر پیشگیری قرار دهند، سازمان بهزیستی آمار مناسبی از کودکان متعلق به خانواده‌های پرخطر را در اختیار دارد و یا ادارات سرپرستی دادرها، اطلاعات زیادی در مورد کودکان بد سرپرست در دسترس دارند. مردم و ائمه جماعات و اعضای شوراهای اسلامی نیز در این زمینه اطلاعات ذی‌قیمتی دارند. به دلیل محدودیت منابع حتماً باید شاخص‌هایی را برای اولویت‌بندی جامعه هدف، در نظر گرفت به‌عنوان مثال دانش‌آموزانی که دارای ۱۰ شاخص کم توجهی نسبت به رعایت حجاب شرعی در خانواده خود هستند، نسبت به دانش‌آموزان واجد ۵ یا ۶ عامل خطر، از اولویت بیشتری برای شرکت در آگاه‌سازی اختصاصی برخوردار هستند.

#### د. اقناع غیرمستقیم جوانان؛

جوانی، فرصت بی‌بدیل زندگی و سرآغاز استحکام شخصیت و ظهور و بروز استعداد‌های انسانی است. جوامعی که این منبع سرشار انسانی و سرمایه اجتماعی را در اختیار دارند باید آینده‌ای امیدبخش را پیش روی خود ترسیم نمایند. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران یکی از تکیه‌گاه‌های توسعه ایران اسلامی را بر اساس این اصل و توانایی بالقوه اجتماعی استوار کرده است. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدارک مناسب برای تربیت دینی این نسل، متناسب با افق چشم‌انداز، یکی از جدی‌ترین و اولویت‌دارترین موضوعات است. نسل جوان امروز و کارآمد فردای جامعه، بیش از هر زمان دیگر مورد توجه نهادها، دولت‌ها و آحاد جامعه قرار گرفته‌اند؛ زیرا که امروزه رشد و تعالی نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه ملی قلمداد می‌شود. از سوی دیگر نیازها و انتظارات این نسل نواخته نیز به صورتی چشمگیر در همه ابعاد وسعت یافته است و دیگر نمی‌توان بدون مشارکت و حضور آنان امور اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی مربوط به جوانان را رقم زد (سند توسعه مشارکت جوانان، ۱۳۹۰: ۲).

به همین جهت اقناع شهروندان از طریق آموزش و توانمندسازی جوانان متناسب با شرایط زندگی امروز، ضرورت توجه به نسل جوان را برای مشارکت اجتماعی تقویت کرده است. روش اقناع با رسوخ به عمق اعتقادات انسان‌ها صورت می‌پذیرد. این روش می‌تواند با اقدامات و تاکتیک‌های مختلف انجام گیرد از جمله: فرهنگ‌سازی، تعامل، آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری. روش اقناعی از طریق تعامل، آموزش و آگاه‌سازی، روند نوینی است که در تحقق جلب مشارکت عمومی برای تحقق پیشگیری از جرم مؤثر است؛ زیرا روش اقناعی، پایدار، عمیق و کم‌هزینه است و فاقد واکنش احتمالی است؛ بنابراین باید با تدابیر علمی و عملی هر چه بیشتر در این عرصه سرمایه‌گذاری نموده و آن را گسترش و توسعه داد. این روش تأثیر بسیار گسترده‌ای در پیشگیری از جرم به‌ویژه در نوجوانان و جوانان دارد. از سوی دیگر، این روش حسن اعتماد را افزایش می‌دهد و بالطبع مشارکت مردم را نیز در پی خواهد داشت. ذکر این نکته نیز ضروری است که تحقق روش فوق نیازمند پیش‌شرط‌هایی است که بایستی قبلاً مجریان امر آن‌ها را فراهم آورند؛ یعنی باید آموزش دیده و متخصص شده و برای چنین برنامه‌ای تربیت شوند. از همه مهم‌تر دانش و آگاهی روزآمد را دارا بوده و به‌خوبی بتوانند آن را به کار گیرند. روش‌های علمی تعامل را آموخته و برای عملی کردن آن از قدرت و توانایی لازم برخوردار باشند. روش اقناع شهروندان بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر از روش‌های آمرانه و استفاده از قدرت است؛ بنابراین، تلاش و کوشش علمی و پژوهشی از زیربنایی‌ترین موضوع‌هایی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد، زیرا اقناع موعظه و نصیحت نیست بلکه فن علمی و پیچیده‌ای است که صرفاً از افرادی با شاخصه‌هایی که در بالا برشمرده شده ممکن و میسر است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶۷).

#### ۵. ختنی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم.

افراد گروه مروج فرهنگ پوشش غیر اسلامی در برابر آگاه‌سازی عمومی و اختصاصی گروه پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی، بیکار نخواهند نشست. بسیاری از آن‌ها

از انگیزه‌هایی قوی برای گسترش بد پوششی برخوردارند و به‌سادگی در مقابل تدابیر پیشگیرانه تسلیم نخواهند شد. آن‌ها تلاش خواهند کرد که ابتکار عمل را در دست داشته و با القای شبهات مختلف و انجام عملیات مختلف روانی، مانند اغراق یا تحریف یا تکذیب، ضریب تأثیر آگاه‌سازی‌ها را کاهش داده و حتی خنثی کنند. به‌عنوان نمونه، مروجین سیگار یا مواد مخدر مصرف این مواد را بسیار «شفابخش» و «عامل فراموشی و رهایی از غم و غصه» وانمود می‌کنند. حضور زنان و دختران جوان در مجالس مختلط را «لذت بردن از جوانی» و شرارت و قلدری در برابر سایر افراد در جامعه را «نشان مردانگی و جسارت» و انضباط و قانون‌مداری را «نشان ترس» تبلیغ می‌کنند. حبس در زندان در خرده‌فرهنگ بزهکاری نشان از «بلوغ شخصیتی» و «اثبات لیاقت» به حساب می‌آید. طرح شکایت و تظلم خواهی را «علامت زبونی» و در عوض انتقام گرفتن و مقابله به‌مثل را «عین مردانگی» می‌شناسانند. متأسفانه این تبلیغات مسموم در محافل بزهکاران و لایه‌های زیرین جامعه جاری است و جذابیت این خرده‌فرهنگ بزهکارانه، جوانان و نوجوانان طبقات خاصی از جامعه را به خود جذب کرده و شاید یکی از دلایل شیوع جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی در میان بزهکاران کم سن و سال ناشی از همین القائات باشد. به همین دلیل باید تیم حمایتی، شناخت و اشراف کافی را بر عملیات روانی حریف داشته و آن‌ها را به‌موقع خنثی نماید (محمدنسل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۳).

#### راهبرد مدیریت نیازها:

وجود برخی نیازها برای رعایت حجاب شرعی و عدم مدیریت صحیح آن‌ها منجر به درگیر شدن افراد در جرم می‌شود. به‌عنوان نمونه، میل جوانان به عضویت و مشارکت در گروه‌های همسالان و کسب هویت اجتماعی، زمینه را برای افتادن آنان در دام باندهای بزهکاری مهیا می‌کند. میل به ثروت و برخورداری از امکانات مادی، بسیاری از جرائم و آسیب‌های مالی و اقتصادی را دامن می‌زند. غریزه شهوت و عدم ارضای صحیح آن، جرائم و آسیب‌های جنسی را به دنبال خواهد داشت؛ نهایتاً نیاز به جلب توجه و خودآرایی در سنین

جوانی و نوجوانی موجب بسیاری از موارد بد پوششی می‌شود. به‌هر حال با این نیازها چه می‌توان کرد؟ آیا این نیازها واقعی یا کاذب هستند؟ آیا باید این نیازها و خواسته‌ها را سرکوب کرد یا با مدیریت صحیح و هدایت درست رفع این نیازها، به نبردی عالمانه با عوامل محرک این جرم پرداخت؟ بدون تردید اکثر این نیازها برآمده از فطرت و غرایز آدمی است و باید به نحو صحیح در جامعه مدیریت شوند. شناخت و دسته‌بندی این نیازها اولین گام در تأمین و برآورده کردن آن‌ها از طرق صحیح خواهد بود (محمدنسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

#### الف. شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم؛

در یک بررسی اجمالی نیازهای منجر به جرم یا آسیب را می‌توان به نیازهای واقعی و غیرواقعی تقسیم کرد. بسیاری از افراد ممکن است نیازهای خود را واقعی تصور کنند، اما در نگاهی عمیق‌تر متوجه می‌شوند که نیاز مذکور غیرواقعی است یا اینکه سطح برآورده سازی آن بسیار کمتر از میزان توقع آن‌هاست. به‌عنوان مثال، نیاز مالی جهت تأمین هزینه‌های معمول زندگی، داشتن اتومبیل برای ایاب و ذهاب، ارتباط با دوستان جهت مصاحبت و گذران اوقات فراغت، تفریح برای برطرف کردن خستگی روحی و... همگی نیازهای طبیعی و مشروعی هستند، اما میزان و حدود مرز مشخصی دارند. در بیشتر موارد افراط در تأمین این نیازها، بی‌آنکه خود فرد متوجه باشد، کار را به تجمل‌گرایی و دنیاطلبی مفرط می‌انجامد. در بسیاری از موارد رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه ملی و بعضاً مسئولان و کسانی که الگوی مردم تلقی می‌شوند، نیز به این رویه دامن می‌زنند. به‌عنوان مثال داشتن وسیله ایاب و ذهاب برای هر خانواده‌ای لازم است، اما افراط در این امر و خرید و استفاده از خودروی چند ده میلیونی و نمایش آن در خیابان‌ها نیز نسبتی با این نیاز ندارد. آیا چنین رویه‌هایی موجب احساس ناکامی و فشار و به‌تبع آن انگیزه‌مندی برای ارتکاب جرم توسط اقشار ضعیف و آسیب‌دیده نمی‌شود؟ راهکار پیشگیرانه این است که مجدداً این نیازها را تعریف کنیم و اجازه ندهیم که در هر زمینه‌ای دچار افراط شویم. در تهاجم فرهنگی تلاش می‌شود



که الگوهای هنجارمند نیازها به هم ریخته شود و افراد جامعه به سمت الگوهای دیکته شده توسط حریف دلالت شوند. ارائه حد متعادل پوشش، حد متعادل تفریح، حد تعادل مصاحبت و دوستی، حد متعادل تغذیه و... کارساز خواهد بود. تلاش دولت‌ها برای تأمین نیازهای اولیه مردم و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها در این زمینه، اگر به صورت مؤثر انجام شود، در کاهش آسیب‌ها و پیشگیری از جرم بسیار کارساز است. به عنوان مثال، از جمله نیازهای مشروع، نیازهای جنسی است. بسیاری از زنان و مردان در سنین مختلف به دلیل فوت همسر یا طلاق و یا عدم امکان ازدواج و تشکیل خانواده، سال‌ها به صورت مجرد زندگی می‌کنند. این افراد چند راه پیش روی خود دارند: یا از ازدواج و تأمین نیازهای زندگی صرف نظر کرده و به صورت مجرد زندگی کنند، یا همچون برخی از افراد بدون هرگونه محدودیتی به برقراری روابط جنسی با افراد متعددی پردازند و یا از طرق مشروع مانند نکاح موقت، نیازهای جنسی خود را تأمین کنند. شرع مبین برای نیازهای مختلف بشر راهکارهای متنوع و مشروع قرار داده است، لیکن برخی مواقع رواج آداب و رسوم و باورهای غلط، زمینه را برای گسترش معاصی مستعد می‌کند. توسل به این راه‌های غلط و نامشروع موجب رشد رذایل اخلاقی در جامعه گردیده و جامعه را مستعد بروز هر جرم و آسیبی می‌کند (همان: ۱۲۵).

#### ب. اصلاح فرآیند نیازهای محرک جرم؛

در بسیاری از موارد فرایندهای تأمین نیازهای پایه‌ای جامعه به قدری ضعیف و ناکارآمد هستند که پاسخگوی نیازها نبوده و افراد مختلف از فرصت به دست آمده سوءاستفاده کرده و دام خود را برای آماج نیازمند می‌گسترانند. به عنوان مثال با توجه به سهم بالای جمعیت جوان کشورمان و تشکیل خانواده‌های جدید، افرادی هماهنگ با سیاست‌های ضد فرهنگی غرب علیه کشور جمهوری اسلامی ایران، با عدم رعایت قانون ممنوعیت فروش لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاءعام خلاف شرع بوده یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند به اشاعه و توزیع آن در بازار لباس می‌پردازند. مطالبات دختران و پسران جوان و خانواده‌های آنان به قدری بالا رفته است که سن ازدواج بالا رفته است و فشار نیاز جنسی همراه با مظاهر

فرهنگی غرب موجب خودآرایی، بد پوششی، ارتباطات نامشروع و آسیب‌های جنسی می‌شود. شناخت و اصلاح این فرایندها زمینه‌های جرم یا آسیب را از بین برده یا کاهش خواهد داد.

جهت‌دهی گرایش به تبرج آن‌قدر مهم است که اگر به‌موقع انجام نشود، جامعه را گرفتار ابتدال خواهد کرد. چون در این صورت، حضور زن در صحنه اجتماع، حضوری جنسی خواهد شد و امنیت جامعه و استحکام خانواده را به هم می‌زند. «البته خودآرایی و تزئین در زنان، امری طبیعی است و در فرهنگ اسلام، تمایلات و غرایز انسانی به‌هیچ‌وجه منفی تلقی نمی‌شود و سعی بر آن است که با شیوه صحیح نگرش به تمایلات و ارضای مشروع آن، انسان را جهت تکامل سرعت بخشد. در این راستا، به زن توصیه می‌کند گزینه خودآرایی را جهت دهد و آن را به محارم به‌ویژه همسر خویش اختصاص دهد» (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۰). مواردی از این دست، از راه‌های تسهیل فرآیند تأمین نیازهای پایه‌ای به شمار می‌روند.

### ج. حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب؛

نیازها را می‌توان به نیازهای واقعی و نیازهای کاذب تقسیم‌بندی کرد. خود نیازهای کاذب نیز چند گونه‌اند. برخی از آن‌ها از اساس و ریشه غیرواقعی و کاذب هستند و اصالت و مشروعیتی ندارند و حذف کامل آن‌ها هیچ آسیبی به روند عادی زندگی اشخاص نمی‌زند (مانند نیاز کاذب به الگوی پوشش غرب). دسته دوم از نیازهای کاذب نیازهایی هستند که از ریشه باطل و غیرواقعی نیستند و حد معقولی از تأمین آن‌ها موردپذیرش است، لیکن به دلیل افراط و زیاده‌روی از حالت معقول خارج شده‌اند؛ مانند نیاز به خودنمایی در زنان که شکل افراطی آن در میان برخی از مردم معمول گردیده و مشکل‌ساز خواهد بود (محمدنسل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

از دیدگاه اسلام «زنان نباید به گونه‌ای گام بردارند که زینت‌هایشان نمایان شده، مردان را به خود متوجه کنند. عفاف، خصلت نیکی است که وجود آن برای زن و مرد به یک میزان ضروری است اما تأکید بیشتر زنان بر آتصاف به این صفت به این دلیل است که زن به دلیل

ظرافت و زیبایی مخصوص بیشتر مورد تهدید واقع شده و در معرض خطر قرار دارد و بخصوص در فعالیت‌های خود در خارج از خانه باید به این نکته دقت بیشتری مبذول نماید.»

### راهبرد توانمندسازی فردی و اجتماعی

#### الف. گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛

یکی از ساختارهای مهم کنترل اجتماعی در اسلام، «امر به معروف و نهی از منکر» است. این نهاد که یکی از «اصول عملی» اسلام است، همانند نماز، روزه و حج بر مسلمانان واجب شده و از جمله راهبردهایی است که متوجه عموم شهروندان جامعه اسلامی با قطع نظر از مقام و منصب آنان بوده و نمودی از سیاست جنایی مشارکت اسلام است؛ اما امر به معروف و نهی از منکر، غیررسمی‌ترین نوع نظارت، یعنی نظارتی است که توسط شهروندان عادی در محل سکونت آنان و در جاهای دیگر صورت می‌گیرد. اگرچه در آموزه‌های اسلامی امر به معروف و نهی از منکر جزء فروع دین و از جمله عبادات تلقی می‌شود، اما صبغه اجتماعی و ضرورت استفاده از آن به عنوان یکی از ابزارهای کنترل اجتماعی، برجسته‌تر است. این نهاد ارزشمند، نیازمند سازمان‌یابی و پیرایش از زوائد و نهادینه شدن در جامعه به عنوان یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد مشارکت مردمی در سیاست جنایی است. متأسفانه امروزه در جامعه برداشت منطقی و سنجیده‌ای نسبت به این نهاد ارزشمند وجود ندارد و تاکنون آن گونه که شایسته آن است، نهادینه نشده است. کسانی که بیرون به این نهاد ارزشمند می‌نگرند، بیشتر به ارزش و اهمیت آن پی می‌برند.

در واقع می‌توان گفت یکی از روش‌های مشارکت مردم در نظام اسلامی که در سایر نظام‌ها به این مفهوم وجود ندارد، امر به معروف و نهی از منکر است و این وظیفه‌ای مذهبی و اجتماعی برای مسلمین است که با رعایت شرایط مربوط، موظف‌اند در محیط خود، دیگران را به معروف دعوت و از منکر نهی کنند. در حقیقت با این روش جامعه سلامت و پویایی خاصی خواهد یافت. در منابع دفاع مشروع شخصی یاد شده است (عوده عبدالقادر، ۱۴۰۵: ۵۰۱). با استفاده از آموزه‌های اسلامی، روشن می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر، یکی

از اقدامات مراقبتی است و در سیاست جنایی اسلام، کلیه جرائمی که در شرف ارتکاب بوده یا ارتکاب یافته‌اند را در بر می‌گیرد؛ در مورد اخیر به منظور پیشگیری از تکرار جرم است.

برای آن که افراد شرور حاکم نشوند و بزه کاری در جامعه غالب نشود، امر به معروف و نهی از منکر باید به عنوان مهم‌ترین ابزار نظارتی به کار گرفته شود. امر و نهی منحصر و محدود به افراد خاصی نیست، بلکه همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را در بر می‌گیرد. مسئله امر به معروف حاکمان در سنت دینی تحت عنوان «نصیحت ائمه مسلمانان» آمده است و نویسندگان درباره اهمیت، شیوه و آداب آن بحث‌های مفصلی کرده‌اند هر مسلمان مجاز و بلکه موظف است که حاکمان را خالصانه امر به معروف و نهی از منکر کند. امام علی علیه السلام نیز به مالک اشتر توصیه می‌کند تا از بله‌قربان‌گوها پرهیزد و آنان که زبان تلخ حق گویانه را به کار می‌گیرند، به خود نزدیک سازد (سروش محلاتی، ۱۳۶۴: ۱۳۵).

امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌های تحقق نظارت عمومی در جامعه را فراهم می‌کند. نهادینه کردن موضوع قانون‌مندی در جامعه به گونه‌ای که مردم علاوه بر این که خود را ملزم به رعایت قوانین می‌دانند، عدم رعایت قوانین از سوی دیگران را نیز تحمل نکرده و با تذکر زبانی و یا با گزارش امر به مقامات مسئول جهت مبارزه با قانون‌شکنی، می‌تواند در تحقق سیاست جنایی مشارکتی بسیار مؤثر افتد. مهم‌ترین کارکرد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، بازداشتن بدکاران، ممانعت از تجاوز به حقوق بزه دیدگان، حفظ نظام اجتماعی سالم و نظام ارزشی و اخلاقی جامعه است. امام علی (ع) هنگام سخن از فلسفه احکام می‌فرماید که خداوند امر به معروف را برای اصلاح کار همگان و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان وضع کرده است. پیامبر اسلام (ص) در مورد اثر پیشگیرانه این نهاد اسلامی می‌فرماید: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدای متعال اشخاص بد و نابکار شما را بر افراد شایسته و خوب مسلط می‌کند، آنگاه خوبان دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۷۶). از این رو به نظر می‌رسد که رواج

امربه معروف و نهی از منکر در جامعه، سد مستحکمی خواهد بود در برابر طغیان سیل کج روی‌ها به ویژه جرم عدم رعایت حجاب شرعی.

#### ب. ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی؛

مهارت‌های اساسی زندگی عبارت است از «مهارت‌های مختلف کلامی و رفتاری که یک فرد را قادر به تعامل و کنش و واکنش مناسب در شرایط مختلف جامعه با سایر اعضای جامعه می‌نماید». امروزه به دلیل گسترده‌گی روابط و شبکه‌های اجتماعی حقیقی و مجازی، شمار مهارت‌های لازم برای زندگی بالاتر رفته و تنوع زیادی نیز پیدا کرده است. مهارت‌هایی مانند حل مسئله، مذاکره، رفع نیازهای زندگی، مدیریت هیجان و عواطف، مدیریت خشم و حتی مهارت مشارکت در دنیای مجازی و امثال آن از ضروریات زندگی در جوامع پیچیده امروز به شمار می‌روند. بدون برخورداری از این مهارت‌ها تعامل مناسب با جامعه پیرامونی بسیار دشوار شده و فرد به دلیل عدم ارتباط مناسب با محیط دچار سرخوردگی و مهبای آسیب خواهد بود (محمندنسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

#### ج. نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان؛

بدون مبنای مسئولیت اجتماعی انسان، اعمال یک سیاست جنایی با مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست. از دیدگاه اسلام سرنوشت انسان‌ها به هم گره خورده است. در روایات اسلامی مکرر به مواردی اشاره می‌شود که انسان‌ها تبعات اعمال سوء دیگران را متحمل می‌شوند؛ زیرا با سکوت خود، رفتار آن‌ها را تأیید می‌کنند. تبعات ویرانی جامعه دامن‌گیر همه افراد به خصوص نسل‌های بعد خواهد شد بر همین اساس افراد نمی‌توانند با بی‌اعتنایی آن را به خود مرتبط ندانند. حضرت محمد<sup>(ص)</sup> در روایتی افراد جامعه را به مسافران یک کشتی تشبیه می‌کند که سلامت آنان در گرو سلامت کشتی است و نمی‌تواند نسبت به سلامت و ایمنی کشتی بی‌تفاوت بماند (بخاری، ۱۴۱۴: ۳۴۵). سرنوشت فرد و جامعه همانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوند خورده است؛ از این رو خوشبختی و سعادت افراد به سیر حرکت بستگی دارد و در مقابل، رشد و تعالی جامعه نیز بدون هماهنگی و همکاری

اعضای آن امکان‌پذیر نیست. در جامعه‌ای که هر فرد فقط به خود و منافع شخصی خود اندیشیده و به آینده و سرنوشت دیگران کاری ندارد و به تعبیری حس مسئولیت اجتماعی وجود نداشته باشد، صحبت از مشارکت مردم در سیاست جنایی امری بی‌نتیجه است. در تعالیم اسلامی، مکرر به مسئولیت اجتماعی انسان در قبال سرنوشت دیگران اشاره و تأکید شده است. در روایتی کل افراد جامعه را راه و مسئول خطاب کرده و آنان را دارای مسئولیت نسبت به همه مردم می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲-۳۸).

#### د. تقویت باز سازگاری اجتماعی از طریق مشارکت دادن مباشرین جرم؛

مطابق قاعده «برچسب زنی»، ارتکاب جرم و تحمل مجازات ناشی از آن، موجب اشتها سوء افراد درگیر در آن شده و در نتیجه بزهکاران اعم از نادم یا غیر نادم از سوی جامعه طرد می‌گردند. چنین موقعیتی، تمایل و حرکت افراد نادم و سرخورده از بزهکاری را برای بهبود وضعیت خود و بازگشت مجدد به جامعه با دشواری مواجه می‌سازد. هر چند جامعه مسبوق به تجربه پیشین، از بازگشت واقعی و پایدار افراد بزهکار مطمئن نیست و تلاش می‌کند با دوری جستن از چنین افرادی جانب احتیاط را رعایت کرده و یادگیری از طریق معاشرت و یا تقلید را به حداقل ممکن برساند، لیکن این کار با وجود برخی مزایا، آثار زیانباری دارد و موجب انزوای افراد مصمم به بازگشت به مسیر درست و رفتار قانون‌مند شده و زمینه‌ساز آن است که مجدداً به معاشرت‌های سوء قبلی خود برگردند. افراد جامعه معمولاً به این افراد اعتماد نمی‌کنند و شراکت کاری یا ازدواج با اشخاص سابقه‌دار، به‌ویژه زنانی که سابقه جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی دارند (بدون توجه به علت آن) هستند، خودداری می‌کنند. عرف موجود معاشرت با این‌گونه زنان را چندان تشویق نمی‌کند. این احتیاط‌ها گاه جنبه افراطی به خود می‌گیرند و راه برگشت را برای افراد دشوار می‌کنند. البته نفس احتیاط و تأمل در ایجاد رابطه با افراد دارای سوابق سوء، چندان ناپسند نیست، اما مهم تشخیص حد تعادل و وظیفه اجتماعی و خانوادگی برای حمایت از چنین افرادی است. به‌خصوص دوستان و بستگان در این موارد وظیفه خطیری دارند تا با گسترش چتر حمایتی

خود، از بزهکاری و بزه دیدگی ثانویه و مضاعف جلوگیری کنند. نهادهای رسمی و غیر مردمی نیز می‌توانند با اجرای برنامه‌هایی همانند برگزاری جلسات مشاوره و نشست با خانواده‌ها، بزه‌کاران، بزه دیدگان و کارآفرینان می‌توان به باز پذیرش اجتماعی افراد دارای سابقه جرم یا کج‌روی کمک نمود. از این‌رو نگاه به ناقص حجاب شرعی نباید صرفاً به‌عنوان یک عنصر منفعل و پذیرنده بزه باشد؛ بلکه باید به‌عنوان کسی به او نگرسته شود که خود در پدید آمدن جرم، عهده‌دار نقش است. باید با تغییر بسیاری از شرایط و رفتارهای افراد در معرض بزه و مشارکت خودشان و با آموزش‌های لازم از بزه‌دیدگی آنان جلوگیری کرد (محمدنسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

#### راهبرد تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی

##### الف. تقویت نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری؛

نخستین تمرین‌های جامعه‌گرایی در خانواده صورت می‌گیرد. خانواده می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان فرد و جامعه عمل کند. در واقع، خانواده افراد را آماده جذب در جامعه می‌کند. نهایت همنوایی با هنجارهای جامعه در کسانی اتفاق می‌افتد که از اوان کودکی و در خانواده به درک صحیحی از تعامل با دیگران نائل شده باشند. تقویت مشارکت در برنامه‌های گروهی و کار تیمی و بالا بردن حس تعلق به گروه و تلاش برای نیل به اهداف جمعی، از مهم‌ترین آموزه‌های خانواده‌ها به اعضای خود است. برعکس، در خانواده‌های جامعه‌ستیز، کودکان نیز از همان ابتدا با تمایلات تخطی از ارزش‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های گروهی آشنا می‌شوند. ترجیح تمایلات فردی بر اهداف گروهی، استفاده ابزاری از جمع برای رسیدن به اهداف شخصی و جامعه‌گرایی مشروط، از آموزه‌های این خانواده‌ها به اعضای خود به شمار می‌روند. تجربه نشان داده است که خانواده نقش تبیین و تشریح و تلطیف و حتی تثبیت هنجارهای اجتماعی برای اعضای خود را بر عهده دارد. در خصوص جرم و کج‌روی نیز خانواده به‌عنوان یکی از مصادیق هنجارشکنی، نقش‌های پیش‌گفته را ایفا می‌کند. در صورتی که نهاد خانواده در عمل نتواند

نقش مهمی در برقراری تعاملات حمایتی بین فرد و جامعه ایفا کند، می‌توان با انجام برخی برنامه‌ها، خانواده‌های ناکارآمد را به سوی کارآمدی سوق داد. اجرای برنامه‌های مهارت‌افزایی برای والدین، برگزاری کارگاه‌های حل مسئله برای اعضای خانواده و اقدامات دیگری از این قبیل، راه‌هایی برای بهتر کردن نقش خانواده‌ها است. نکته مهم این است که طراحان و مجریان برنامه‌ها باید مشارکت و معاضدت خانواده‌ها در اجرای برنامه‌ها را مدنظر قرار دهند. این امر از سویی از تضعیف موضع خانواده جلوگیری می‌کند و از سویی دیگر، از طریق هم‌افزایی، اثربخشی برنامه‌ها را موجب می‌شود (محمندنسل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

#### ب. تقویت نقش و جایگاه محله‌ها در پیشگیری؛

با توسعه دامنه فعالیت نهادهای محلی مانند مساجد، صندوق‌های قرض الحسنه، گروه‌های ورزشی و فرهنگی در سطح محله و به‌طور کلی هر تشکل سازمان‌یافته رسمی و غیررسمی دیگر، هماهنگی و همگونی و انسجام در بین مردم محله افزایش یافته و حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت در طرح‌های پیش‌گیری را در آنان افزایش می‌دهد. برخی نهادها مستقیماً در امنیت‌سازی و اعمال تدابیر پیش‌گیری دخالت دارند؛ مانند نگهبان محله و ستاد امر به معروف در بسیج محله‌ها و یا ستاد حفاظت اجتماعی که مشارکت مردم در حفظ امنیت خود را برمی‌انگیزد. دسته‌ای دیگر از نهادها اگرچه مستقیماً با موضوع پیش‌گیری در ارتباط نیستند، امام توسعه فعالیت‌های آنان به کاهش بزه‌کاری منتهی می‌شود: مانند مساجد و هیئت‌های مذهبی، کتابخانه‌ها در محلات، کانون‌های فرهنگی هنری، آموزشگاه‌های کار و هنر، باشگاه‌های ورزشی و سایر نهادهایی که می‌توان آن‌ها را در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و کاستن از فرصت‌های بزه‌کارانه سازمان‌دهی کرد. در برخی کشورهای توسعه‌یافته، کمیته‌هایی تشکیل شده تا به‌عنوان هدایت‌کننده و هماهنگ‌کننده و مرجعی برای تهیه اطلاعات مربوط به جرم و بزه‌کاری عمل کنند. این کمیته‌ها یک عامل کمک‌کننده برای ترغیب نهادهای ملی به انجام کار و هماهنگ‌کردن



نهادهای داوطلب و بخش دولتی عمل می‌کنند. این کمیته‌ها که به کمیته‌های چندعاملی معروف‌اند، باید مقامات محلی را در بسیج مشارکت محلی ترغیب کنند. ترکیب کمیته‌های مزبور متشکل از اعضای از طرف قوه قضاییه، پلیس، اتحادیه‌های تجاری کارگزاران دولتی محلی و برخی از ساکنان محلی است که معمولاً مسئول شناسایی مناطق دارای مشکل، اتخاذ روش مشترکی برای تنظیم راهبردهای مداخله و پیشگیری، هماهنگ کردن تدابیر پیش‌گیری از وقوع جرم و برنامه‌ریزی برای گروه‌های خاص در معرض خطر هستند (گراهام جان، ۱۳۷۹: ۱۲۷). افراد یک محله با تجمع در مراکز فرهنگی و دینی، علاوه بر شناخت نسبت به یکدیگر، به سمت نوعی هماهنگی، همگونی فرهنگی و اجتماعی حرکت می‌کنند. یکی از بهترین عوامل بازدارنده بزه‌کاری، تقویت وابستگی افراد جامعه به یکدیگر به لحاظ فرهنگی و اجتماعی است. کم کردن فاصله‌ها، افزایش محبت، یکدلی، یکرنگی، توجه به هم‌نوع، رفع مشکلات مالی و غیرمالی یکدیگر و بسیاری ارزش‌های انسانی دیگر در این نوع تعاملات اتفاق می‌افتد. از آنجاکه ظرف مکانی جرائم و آسیب‌ها، محیط واقعی زندگی اجتماعی است، بر این اساس، احیای مفهوم محله و تقویت نقش محله‌ها، می‌تواند بسیار سودمند باشد.

### ج. تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی در پیشگیری؛

از دیرباز نهادهای مذهبی نقش فعالی را در مداخلات پیشگیرانه ایفا کرده‌اند. در کشور ما، بسیاری از این نقش‌آفرینی‌ها دارای قدمتی چند قرنیه بوده و در طول تاریخ به‌عنوان مراسم و رویه‌های دینی و آیینی با جسم و جان‌ودل مردم سرشته شده است. مساجد و حسینیه‌ها از دیرباز محل تجمع اهالی محله‌ها بوده و با ترویج فرهنگ ایمان و خداترسی، ایثار و شهادت در شکل دهی به رفتارهای فردی و گروهی پیشتاز بوده است. تکایا و هیئت‌های مذهبی و همچنین رسوم و مناسک مذهبی مانند زیارت اماکن متبرکه، زیارت اهل قبور و ...، سهم قابل توجهی از برنامه‌های روزمره مردم را به خود اختصاص می‌دادند. اکنون در جریان جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، دشمنان تلاش دارند تا نقش و کارکرد نهادهای مذهبی را از

زندگی مردم حذف و یا بسیار محدود نمایند. دین‌باوری و حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه و کاهش کج‌روی، ناهنجاری و جرائم در جامعه، مستلزم تعریف مجدد نقش نهادهای مذهبی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و واگذاری نقش بیشتر به این نهادها است و بدون تردید اقدامات و ابتکارات علماء، وعاظ و ائمه جمعه و جماعات در این خصوص باید مورد توجه و عمل قرار گیرد.

#### د. تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیشگیری؛

معمولاً دانش آموز و دانشجو، معلم و استاد خود را به‌عنوان یک الگو برمی‌گزیند. معلمان و استادان دانشگاه‌ها، جمعیت عظیمی را در یک کشور تشکیل می‌دهند و مشارکت آنان در سیاست جنایی بسیار تأثیرگذار است. این قشر که تربیت‌کننده نسل آینده جامعه هستند، به‌عنوان بزرگ‌ترین تشکل غیردولتی تأثیرگذار، می‌توانند مورد توجه سیاست جنایی باشند. در بسیاری از امور معین و مشخص مانند مواد مخدر، مواد روان‌گردان، ترقه و مواد آتش‌زا و سایر عوامل بزه‌کاری، اگر در کنار انجام وظایف آموزشی و پژوهشی در راستای پرورش و بالندگی نسل آینده (که این امر اخیر جزی از وظایف آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور است)، با همکاری معلمان و استادان آموزش‌های لازم به فرزندان جامعه داده شود، قدم بسیار بزرگی در تحقق یک سیاست جنایی موفق برداشته شده است.

#### ه. مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم؛

تولیدات و فرآورده‌های فرهنگی از تأثیرگذاری بسیار بالایی در شکل‌دهی و پرورش نگرش، اعتقادات و رفتار افراد جامعه برخوردار است. بسیاری از هنجارسازی‌ها و هنجارشکنی‌ها از این طریق صورت می‌گیرد. امروزه با توجه به گسترده‌گی رسانه‌ها، فرآورده‌های فرهنگی به‌سرعت در سطح جامعه گسترده شده و طیف‌های گوناگونی از افراد را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. با عنایت به این موضوع، اهمیت روزافزون مدیریت بر فرآیند فعالیت‌های فرهنگی و محصولات حاصل از این فعالیت‌ها آشکار می‌شود. سپردن فعالیت‌های فرهنگی به افراد منحرف یا فاقد صلاحیت فکری و اخلاقی و یا بی‌تفاوتی نسبت

به رویکردهای بازیگران این عرصه، نگرش‌ها و تفکراتی را در سطح جامعه ترویج می‌کند که نوعاً زمینه‌ساز بروز جرم یا کج‌روی در جامعه می‌باشند. میل به تجمل‌گرایی، نفی عفاف و حجاب، تمسخر قیود خانوادگی، ترویج طلاق و بی‌بندوباری، توهین به مقدسات و وهن آن‌ها و... همگی از طریق فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی صورت می‌پذیرند. امروزه در تمام جوامع بر مراکز تهیه غذا نظارت و کنترل شدید وجود دارد و استانداردهای مختلفی برای کنترل کیفیت آن‌ها در نظر گرفته شده و تولید و توزیع و فروش و ورود و خروج آن‌ها تحت کنترل مراکز نظارتی است؛ اما با کمال تأسف باید گفت چنین حساسیت و نظارتی در مورد تولیدات و خوراک فرهنگی جامعه وجود ندارد. به نظر می‌رسد تمام فرآیندهایی که در زمینه بهداشت جسمی و پیشگیری از بیماری‌ها به‌طور منطقی صورت می‌پذیرد، در خصوص بهداشت فرهنگی جامعه نیز باید وضع شده و مورد عمل قرار دهیم تا محصولات آن‌ها برای جامعه اسلامی مفید واقع شود و حرکت مردم به‌سوی تعالی را پرشتاب‌تر کنند.

#### **عوامل بازدارنده مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در پیشگیری از جرم**

با توجه به مفهوم مشارکت، بنا به دلایل مختلفی فرهنگ مشارکت به معنای واقعی کلمه در ایران نهادینه نشده است. هرچند باید اذعان کرد در زمینه‌های خاصی همچون اقدامات خیرخواهانه، به دلیل حاکمیت ارزش دینی بر جامعه، مشارکت مردمی بالا است، اما حتی این مشارکت‌ها هم نمی‌تواند بیانگر وجود فرهنگ مشارکتی واقعی در ایران باشد، چراکه این نوع از مشارکت‌ها اولاً نظام‌یافته و سازمانی نیستند، ثانیاً در حوزه کم‌دامنه‌ای رخ می‌دهند و قابل تسری به عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و عرصه نظام عدالت‌کیفری نیستند. در توسعه‌نیافتگی مشارکت در عرصه پیشگیری از جرائم در ایران موانع زیادی دخیل هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم بلوغ الگوهای کارآمد، فقدان تجربه و اطلاعات کافی و مشخص نبودن حدود و قلمرو، اشاره کرد که روند تحقق پیرامون هر پدیده علمی جدید و نوپایی را با مشکل مواجه می‌کند. این موانع و مشکلات در مسیر بررسی و مطالعه مشارکت مردم در پیش‌گیری از جرم که با ابهامات و بعضاً مخالفت‌هایی نیز روبه‌روست، از تنوع و

گسترده‌گی بیشتری برخوردار است و عدم توجه و آشنایی مسئولان عدالت کیفری به این موضوع، باعث مضاعف شدن آن‌ها می‌شود. بدیهی است که جمعیت در معرض خطر بزه کاری و بزه دیدگی، باید در پیش‌گیری شرکت کنند؛ یعنی خودشان موضوع اقدامات پیش‌گیری هستند؛ اما این مشارکت باید تعریف شده و سازمان‌دهی شده باشد؛ به‌نحوی که بستر سوءاستفاده فراهم نشود. چنانچه مقرراتی برای مشارکت مردم در پیش‌گیری وضع نشود، موارد سوءاستفاده فراوان می‌شود. در مورد مشارکت عموم مردم در باب پیش‌گیری، امروزه این شعار مطرح است که پیش‌گیری از جرم یک امر همگانی و مربوط به مردم و دولت است؛ اما بحث این است که ما چگونه نظر مردم را در پیش‌گیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی مشارکت دهیم تا زمینه‌های سوءاستفاده و پایمال شدن حقوق مردم فراهم نشده و آزادی رفت‌وآمد و خلوت زندگی افراد، در معرض خطر مداخله دیگران قرار نگیرد؟ در این زمینه توجه به شرایط امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلام اهمیت فراوانی دارد. از دیگر مشکلات این شیوه، وسعت و گستردگی زیاد قلمرو آن است. بدون شک، مشارکت مردم، مهم‌ترین، گسترده‌ترین و بحث‌برانگیزترین سیاست جنایی محسوب می‌شود؛ زیرا به مشارکت فعال و سازنده ارکان مختلف جامعه به‌عنوان رکن غیررسمی پاسخ‌دهنده به پدیده مجرمانه، در کنار رکن رسمی (دولت) می‌پردازد. برخی معضلات و موانع کارآمدی سیاست جنایی مشارکتی بدین شرح است: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۸-۵).

#### الف. تلقی حفظ نظم و امنیت در داد و وظایف انحصاری حاکمیت و تعارض با اصل قضایی بودن جرم و مجازات

یکی از مشکلات و چالش‌های فراروی مشارکت عمومی، تصور این امر است که وظیفه نظم و امنیت جامعه، منحصرأ به عهده حاکمیت و دولت است و سایر افراد جامعه در این خصوص هیچ‌گونه حق یا تکلیفی بر مداخله ندارند. از این‌رو عده‌ای مشارکت مردم در امر سیاست جنایی را مداخله در امر حکومت و تشکیل دادگستری خصوصی برشمردند. با

شیوع و فراگیری این ذهنیت، افراد جامعه نیز توجیه و بهانه‌ای برای عدم همکاری خویش فراهم کرده و از همکاری در طرح‌های سازمان‌یافته علیه بزه‌کاری اجتناب می‌ورزند؛ خصوصاً این که مشارکت آنان معمولاً همراه با تکالیف و زحمتهایی خواهد بود.

#### ب. دشواری هدایت و سازمان دادن مشارکت عمومی

راهبردهای پیش‌گیری از بزه‌کاری به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی که یک‌رشته از علوم جنایی به حساب می‌آید، از شیوه‌های فردی و اخلاقی که گاه فاقد جنبه اجتماعی است، کاملاً متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت این دو در این است که تدابیر پیشگیرانه باید نخست قابلیت سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و اجرای گسترده در سطح جامعه را داشته باشند، اما توصیه‌های اخلاقی اساساً جنبه فردی و شخصی دارد؛ هرچند درنهایت تأثیر ارزشمند خود را در اجتماع می‌گذارد؛ بنابراین در سیاست جنایی مشارکتی، شیوه‌ای مانند امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به‌عنوان یک وظیفه فردی و شخصی مطرح نیست که اجرای آن توسط فرد، باعث اجر اخروی برای وی شود؛ بلکه این نهاد ابعاد گسترده اجتماعی دارد که به‌عنوان یک فرهنگ عمومی می‌بایست در سطح جامعه، به نحوی سازمان‌دهی و اجرا شود که اولاً، حقوق و آزادی‌های فردی را تحت تأثیر قرار ندهد؛ ثانیاً، نقش ارزشمند خود را در کنترل و مهار بزه‌کاری به‌خوبی ایفا کند.

#### ج. طرز تلقی مدیران دولتی

مدیریت دستگاه‌های دولتی، اکثراً تمایلی برای شرکت دادن مردم در امر تصمیم‌گیری از خود نشان نمی‌دهند. گروهی از آن‌ها تصمیم‌گیری را حق طبیعی خود می‌دانند. گروهی دیگر مشارکت افراد را به‌منزله ضعف مدیریت خود تلقی می‌کنند و سعی دارند، برای حفظ شخصیت خود و جلوگیری از آگاهی افراد به نقاط ضعفی که دارند، از مردم فاصله بگیرند و ارتباطات خود را با آن‌ها به حداقل ممکن برسانند؛ برخی دیگر، مشارکت را عامل کند کننده در تصمیم‌گیری به حساب می‌آورند و معتقدند که مجموع هزینه‌های مشارکت بیش از فواید آن خواهد بود، برخی نیز تصمیم‌گیری مشارکتی را تهدید و تنزلی برای قدرت و

اختیار خود می‌شناسند و بالاخره گروهی هستند که به انسان‌ها به صورت اقتصادی نگاه می‌کنند و به تبع، آن افراد را شایسته مشارکت در تصمیم‌گیری نمی‌دانند. با توجه به آنچه اشاره شد، اساسی‌ترین اندیشه زمینه‌ساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک‌مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. فرایند مشارکت بر سه ارزش بنیادین سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم، تأکید دارد (رهنورد، ۱۳۸۰: ۵)؛ بنابراین، سطوح این مشارکت و حوزه‌های مشارکت پذیر باید بر اساس قوانین و مقررات مشخص شده و چگونگی تعامل افراد و نهادهای داوطلب با نهادهای رسمی به‌طور دقیق تنظیم شود. البته، اتخاذ نکردن تدابیر لازم جهت قانونمند کردن چگونگی مشارکت مردم و اجتماع‌های محلی، نگرانی‌هایی در زمینه تضييع حقوق شهروندان به دنبال داشته است که از جمله آن‌ها: مشخص نبودن نقش و جایگاه مردم در سیاست جنایی مشارکتی و نحوه تعامل آن‌ها با بخش‌های دولتی، اولویت دادن منافع فردی بر منافع اجتماعی و توجه نکردن به مصالح همگانی، بی‌اعتمادی و نداشتن آگاهی‌های لازم در خصوص آثار مشارکت، ضعف فرهنگ مشارکت‌پذیری و وجود موانع ذهنی و ساختاری، درک ناکافی ساکنان مناطق از امکانات و محدودیت‌های خویش تصور عدم تأثیرگذاری در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، بیم به مخاطره افتادن عدالت کیفری و امنیت جامعه، آگاهی نداشتن مردم از چگونگی مشارکت و وجود نگرش ابزاری به مشارکت هست که منجر به بی‌اعتمادی مردم نسبت به توانمندی‌های خود و کم‌اهمیت شمردن نقش مشارکتی آنان می‌گردد (آقابخشی، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

### روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کارشناسان و مسئولان مرتبط با بحث حجاب و پیشگیری از

جرم در استان اردبیل در برمی گیرد و برای حجم نمونه از فرمول کوکران برای جوامع نامحدود استفاده شده و تعداد نمونه آماری برابر ۳۸۲ نفر به دست آمده که به روش ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از روش میدانی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و همچنین از روش مصاحبه استفاده شده است. ضریب روایی پرسشنامه با اعتبار محتوایی سنجیده شد، پایایی پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ به شرح نتایج مندرج در جدول زیر محاسبه گردید.

جدول (۱) - ضریب پایایی پرسشنامه

متغیر (راهبردها)	تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
آگاه‌سازی، اقتناع و نهادینه کردن ارزش‌های دینی	۵	۸۳/۰۰
مدیریت نیازهای جوانان	۳	۷۹/۰۰
توانمندسازی فردی و اجتماعی	۵	۸۱/۰۰
تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی	۵	۸۶/۰۰

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ در پرسشنامه برای هر متغیر بالای ۷۰/۰۰ به دست آمده است، بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه از ضریب پایایی مناسب برخوردار است.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات:

متناسب با سطوح سنجش متغیرها، از روش‌های آماری متناسب با آن استفاده شده است. روش‌های تجزیه و تحلیل آماری در این تحقیق در دو بخش آمارهای توصیفی که شامل جداول و نمودارها، شاخص‌های پراکندگی، فراوانی‌ها و ... است، بخش دوم شامل روش‌های تحلیل استنباطی که از آزمون خی دو تک متغیره و آزمون T تک نمونه‌ای و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است.

### یافته‌های تحقیق

#### یافته‌های توصیفی

طبق نتایج به دست آمده از میان پاسخگویان ۶۲/۵۲ درصد پاسخگویان مرد و ۳۸/۴۷ درصد زن بودند، در توزیع سنی پاسخگویان ۳۶/۳۰ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی ۳۰ تا ۴۰ سال دارند و ۹۴/۹ درصد نیز با کمترین فراوانی زیر ۲۰ سال دارند، همچنین ۳۷/۵۹ درصد شاغل و ۶۲/۴ درصد غیر شاغل هستند، در مورد میزان تحصیلات نیز نتایج نشان می‌دهد که ۳۵/۱۳ درصد زیر دیپلم، ۷۲/۲۷ درصد دیپلم، ۲۴/۳۳ درصد فوق دیپلم، ۶۵/۲۵ درصد لیسانس و بالاتر بود.

#### یافته‌های استنباطی

##### الف. فرضیه نخست:

آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌ها به‌خصوص در مورد جوانان به‌صورت غیرمستقیم و تبیین جنبه‌های ایجابی رعایت حجاب شرعی می‌تواند در پایبندی به ارزش‌ها مؤثر باشد.

#### جدول (۲) - نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

معیار مقایسه = ۳					
میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
۸۱/۳	۸۶	۴۱/۱۴	۳۸۱	۰/۰۰۱	۸۱

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ درصد کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین تأثیر آگاه‌سازی اقناع و نهادینه کردن ارزش‌ها به‌خصوص در مورد جوانان در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در بین نمونه‌های مورد مطالعه (۳/۸۱) با میانگین جامعه (معیار مقایسه = ۳) وجود دارد و میانگین تأثیر آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌ها به‌خصوص در مورد جوانان در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در بین نمونه‌های مورد مطالعه از



میانگین جامعه آماری بیشتر است؛ بنابراین می توان گفت که فرضیه اول تأیید می شود و آگاه سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش ها به خصوص در مورد جوانان به صورت غیرمستقیم و تبیین جنبه های ایجابی رعایت حجاب شرعی می تواند در پایبندی به ارزش ها مؤثر باشد.

### ب. فرضیه دوم:

پایین بودن سطح مداخلات اجتماعی و فرهنگی نهادهای مذهبی، آموزشی، خانواده، محله و ضعف توانمندی های فردی و اجتماعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مهارت های اساسی زندگی از عوامل بازدارنده جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی است.

### جدول (۳) - نتایج آزمون T تک نمونه ای

معیار مقایسه = ۳					
میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین
۶۴/۳	۷۴	۶۲/۱۲	۳۸۱	۰/۰۰۱	۶۴

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معنی داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می توان گفت که تفاوت معنی داری بین تأثیر پایین بودن سطح مداخلات اجتماعی و فرهنگی نهادهای مذهبی، آموزشی، خانواده، محله و ضعف توانمندی های فردی و اجتماعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مهارت های اساسی زندگی در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در بین نمونه های مورد مطالعه (۳/۶۴) با میانگین جامعه (معیار مقایسه = ۳) وجود دارد و میانگین تأثیر پایین بودن سطح مداخلات اجتماعی و فرهنگی نهادهای مذهبی، آموزشی، خانواده، محله و ضعف توانمندی های فردی و اجتماعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مهارت های اساسی زندگی در جلب مشارکت عمومی برای پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در بین نمونه های مورد مطالعه از میانگین جامعه

آماری بیشتر است؛ بنابراین می‌توان گفت که فرضیه دوم تأیید می‌شود و پایین بودن سطح مداخلات اجتماعی و فرهنگی نهادهای مذهبی، آموزشی، خانواده، محله و ضعف توانمندی‌های فردی و اجتماعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مهارت‌های اساسی زندگی از عوامل بازدارنده جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی است.

### نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل شد که بدون جلب مشارکت عمومی، امکان موفقیت در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی وجود نداشته و تا زمانی که دولت مردان و واضعان و مجریان سیاست جنایی ایران به این موضوع اعتقاد و پای بندی عملی پیدا نکنند، اوضاع مقابله با جرم عدم رعایت حجاب شرعی راه به جایی نخواهد برد. از این رو مشارکت مردم در ابعاد مختلف پیشگیری از جرم مذکور، ضروری و مفید فایده است. از این رو راهبردهای ارائه شده برای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی در استان اردبیل در قالب پرسشنامه در این پژوهش مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت؛ که در نتیجه آن طبق نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه تحقیق، اولاً اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی؛ نهادینه کردن ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی؛ ارتقای سطح آموزش و اطلاع‌رسانی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرم؛ اقناع غیرمستقیم جوانان و خنثی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم در تحقق راهبرد آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌های دینی برای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی حائز اهمیت است. ثانیاً شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم؛ اصلاح فرآیند نیازهای محرک جرم و حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب با راهبرد مدیریت نیازها در رفع موانع مشارکت عمومی مؤثر اعلام شد. ثالثاً گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی با اجتناب از رفتارهای فردی زمینه‌ساز جرم و ضمانت پیشگیری از بزه دیدگی زنان با رعایت پوشش شرعی در محیط‌های عمومی، نهادینه کردن مسئولیت

اجتماعی انسان؛ تقویت باز سازگاری اجتماعی از طریق مشارکت دادن مباشرین جرم؛ حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب‌پوشی با راهبرد توانمندسازی فردی و اجتماعی در ترغیب و تشویق مردم برای مشارکت در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی مفید است. رابعاً ارتقاء نقش و جایگاه خانواده‌ها، محله‌ها، نهادهای مذهبی، آموزشی و اعمال مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم با راهبرد تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی در تحقق پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی با مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد مؤثر تشخیص داده شده‌اند. درنهایت به این نتیجه رسیدیم که باید برای مقابله با جرم عدم رعایت حجاب شرعی، به جلب مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق: آگاه‌سازی، اقناع و نهادینه کردن ارزش‌های دینی؛ مدیریت نیازها؛ توانمندسازی فردی و اجتماعی؛ تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه‌ای معطوف گردد.

### پیشنهادها

برای اینکه جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب شرعی با موفقیت توأم باشد و مشکلاتی که بررسی شد حل و فصل گردد، در زیر پیشنهادهایی مطرح می‌شود:

- مشارکت باید سیاستی ملی، همه‌جانبه و متکی بر آموزش آحاد جامعه باشد. (در این زمینه برنامه‌ریزی آموزشی جامع و همه‌جانبه‌ای ضروری است).
- نگرش و طرز تلقی منفی نسبت به مشارکت باید تغییر کند. تا هنگامی که متولیان فرهنگی و پیشگیری از جرم مشارکت اقشار جامعه را عاملی برای از دست دادن امتیازات و اختیارات خویش تلقی کنند و کلاً مشارکت را امر مزاحمی بدانند، مشارکت در جامعه نمی‌تواند به‌طور مؤثر اعمال شود.
- دولت موانع و مشکلات قانون را با حفظ شئون و حریم اشخاص (حقیقی و حقوقی) در جامعه مدنظر قرار دهد و آن‌ها را شناسایی و اصلاح نماید.

- مشارکت بایستی در کلیه سطوح و متناسب با فرهنگ و اخلاق ایجاد شده در جامعه اعمال شود و در سطوح مختلف با یکدیگر تطبیق و هماهنگ شود. آگاه‌سازی، اقناع غیرمستقیم جوانان و نهادینه کردن ارزش‌های دینی با اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی؛ ارتقای سطح آموزش و اطلاع‌رسانی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرم و خنثی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم مدنظر باشد.
- نیازهای مشروع مرتبط با جرم شناسایی و با اصلاح فرآیند نیازهای محرک جرم و حذف یا جایگزینی آن‌ها، نیازها مدیریت شوند.
- توانمندسازی فردی و اجتماعی آحاد جامعه از طریق گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی با اجتناب از رفتارهای فردی زمینه‌ساز جرم و ضمانت پیشگیری از بزه دیدگی زنان با رعایت پوشش شرعی در محیط‌های عمومی، نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان؛ تقویت باز سازگاری اجتماعی از طریق مشارکت دادن مباشرین جرم؛ حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب‌پوشی در دستور کار متولیان امور فرهنگی از قبیل ائمه جماعات، مداحان، وعاظ، اساتید دانشگاهی، معلمان، رسانه‌ها و... قرار گیرد.
- نقش و جایگاه خانواده‌ها، محله‌ها، نهادهای مذهبی، آموزشی تقویت و فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم عدم رعایت حجاب شرعی، با نظارت بر اماکن مربوطه، اعمال مدیریت شود.

### فهرست منابع

- آقابخش، حبیب (۱۳۸۱)، نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه‌نشین، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۳۴-۲۲۳.
- بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۴)، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن‌الکثیر.
- بکاریا، سزار (۱۳۷۴)، جرائم و مجازات، ترجمه محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بیگی، جمال؛ پورقهرمانی، بابک؛ لیلان‌دوست، یوسف (۱۳۹۳)، سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرائم منافی عفت در ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره هشتم، شماره ۲۸، صص ۳۰-۹.
- جان، گراهام (۱۳۷۹)، پیشگیری از جرم در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، ترجمه موسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران.
- حاجتی، سیدمحمد باقر (۱۳۸۰)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نوزدهم.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و سمت.
- حسینی، سیدمحمد رضا (۱۳۷۹)، ضرورت حجاب در اسلام، ماهنامه‌ی معارف اسلامی، شماره ۴۵.
- خندان، حمید (۱۳۸۷)، حجاب در فرهنگ اسلامی، تهران، مرکز امور زنان و خانواده، چاپ دوم.
- رهنورد، فرح‌الله (۱۳۸۰)، بررسی موانع مشارکت در نظام اداری ایران؛ مجموعه مقالات همایش توسعه نظام اداری، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۶۴)، نصیحت ائمه مسلمین، مجله حوزه، شماره ۱۱.
- سند توسعه مشارکت جوانان، در بیست و دومین نشست معاونین امور اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها، مصوب ۱۳۹۰/۵/۶ در شهر تهران.

## راهبردهای جلب مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم عدم رعایت حجاب ...

- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵)، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العربی.
- فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۶)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفا. محسنی منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، امیرکبیر.
- محمدنسل، غلامرضا؛ عسگری، یدالله؛ جعفری، مهدی؛ توکل پور، محمدهادی (۱۳۹۱)، راهنمای کارگاه علمی- کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران، انتشارات نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری پلیس محله، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶.